



دومین نشست  
معلمان با  
دکتر علیرضا صادقزاده  
دربارهٔ تحقق حیات طیبه  
در مدرسه‌ها

# با یک گل هم بهار می‌شود

گفت‌وگو از نصرالله دادار  
عکاس: غلامرضا بهرامی

## اشاره

دومین نشست گروهی از معلمان و مدیران مدرسه‌ها با دکتر علیرضا صادقزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و یکی از طراحان و دست‌اندرکاران تولید سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با عنوان: «چگونگی تحقق حیات طیبه در مدرسه‌های کشور» در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی برگزار شد. دکتر صادقزاده در این نشست، ضمن تشریح راه‌های تحقق حیات طیبه در مدرسه‌های کشور، به سؤالات حاضران پاسخ داد. او معتقد است، مدرسه‌ها پیشروی سند تحول و تحقق حیات طیبه هستند و مدیران و معلمان می‌توانند نقش مهمی را در اجرای سند تحول ایفا کنند. اجرای حیات طیبه از پایین به بالا امکان‌پذیر است و با صدور دستورات بالا و پایین محقق نمی‌شود.

من فکر می‌کنم توجه به جنبهٔ عقلانی و فطری که در وجود همهٔ افراد قرار دارد، به‌عنوان نقطهٔ عزیمت و شروع تحقق حیات طیبه خوب است و لازم نیست نقطهٔ عزیمت ما توحید یا دین باشد. نگاه ما این است که تربیت دینی در تربیت اخلاقی محاط است و تربیت اخلاقی نقطهٔ شروع حیات طیبه است تا فرد از فضای حیوانیت بالفعل فاصله بگیرد. این روزها برخی از جوانان می‌گویند ما رفتیم مثلاً ژاپن یا فلان کشور که مردم آنجا دین و اعتقادات ما را ندارند، اما آدم‌های خیلی خوبی هستند. این فقط مال زمان امروز نیست. زمانی، جود و بخشش حاتم طایی که کافر هم بود، مورد تأیید و تأکید پیامبر بود. چون جود و بخشش یک حُسن ذاتی است. راستگویی و امانتداری جزو ارزش‌های ذاتی است. ما می‌خواهیم بچه‌ها را به اخلاق حسنه دعوت کنیم و برای این کار لازم نیست آن‌ها را به توحید و نبوت و دین گره بزنیم. بخشی از ارزش‌های مورد قبول خداوند کریم، جزو ارزش‌های دینداری نیستند. یعنی شما می‌توانید دیندار نباشید ولی آن ارزش‌ها را داشته باشید.

■ دکتر صادقزاده: هر انسانی، به‌طور طبیعی و فطری، هم دنبال رفاه، آسایش و لذت بردن حداکثری است و هم دنبال کمال‌طلبی، و دوست دارد در زندگی به بهترین جایگاه برسد. حیات طیبه جمع هر دوی این‌هاست و به عبارت دیگر زندگی مطلوب در چارچوب دین است. در دعای ابوحمزهٔ امام سجاد (ع) می‌گوییم: «خدایا مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی، عملش را نیکو و نعمت را بر او کامل می‌کنی و از او راضی می‌شوی و او را به حیات طیبه‌ای زنده می‌کنی در مداوم‌ترین سرورها و...» ما در سند تحول، در بحث حیات طیبه، نوعی از زندگی را برای جوانان ترسیم کرده‌ایم که دنیا با همهٔ کمالاتش در آن باشد. پیش‌نیاز این نوع زندگی همان است که در ادبیات دینی ما «فطرت و زندگی عقلانی سالم» نام گرفته است. بنابراین، شروع و آغاز تحقق حیات طیبه نیازمند این نیست که از توحید، نبوت و معاد و به‌طور کلی از دین شروع کنیم. به تعبیر بزرگان، در مسیر کمال، باید ابتدا انسان سالم، معتدل و دارای فطرت شکوفا شده باشیم. بعد دین می‌آید و آن را کامل می‌کند.

## برای ایجاد شرایط حیات طیبه، لازم نیست اسم حیات طیبه را بیاوریم. ما باید محیط مدرسه را برای دانش‌آموزان مطلوب، جذاب و شیرین کنیم

بنابراین، لازم است یک نقشه راه یا قانون یا آیین‌نامه برای اجرای حیات طیبه در مدرسه‌ها تهیه شود تا مشخص کند هر مدیری یا معلمی در دوره‌های گوناگون چه وظایفی در این باره دارد.»

■ **الهه امیری مدیر دبستان شاهد منطقه ۱۱:** به نظر من، مدیران و معلمان مدرسه‌ها باید پیشقدم تحقق مراتب اولیه حیات طیبه باشند. ما این کار را در مدرسه خودمان کرده‌ایم و اثرات خیلی خوبی روی بچه‌ها داشته است. برای نمونه، ما سعی کردیم در حفظ و انجام نظافت مدرسه خودمان پیش قدم باشیم. انجام این کار دانش‌آموزان را نیز تشویق کرد خودشان در این کار انجام وظیفه کنند.

■ **دکتر سمیه لیاقت:** ما در این سال‌ها زیاد به سمت ظواهر رفتیم و کاری به راستگویی، عدالت و حفظ کرامت بچه‌ها نداشتیم. آیا اگر قرار باشد ما حیات طیبه را اجرا کنیم، می‌توانیم از ظاهرگرایی افراطی فاصله بگیریم و برای مثال، اگر معلم خانمی بود که صلاحیت‌های معلمی را خیلی خوب داشت، حجاب هم داشت، اما چادری نبود، او را برای معلمی مدرسه انتخاب کنیم؟

■ **فاطمه شبیری:** اخلاق مذمومه یک مزرعه بد است. این طور نیست که بگوییم این آقا یا خانم خیلی آدم خوبی است، فقط دروغ می‌گوید یا فقط غیبت می‌کند. هر کدام از این‌ها می‌تواند یک مزرعه بد باشد.

■ **محمدرضا حشمتی:** مدیریت زمینه‌سازی یا بسترسازی برای تحقق حیات طیبه دست چه کسی یا کسانی است؟ متولی تحقق حیات طیبه کیست؟

■ **نصرالله دادار:** جایگاه آزادی در تحقق حیات طیبه کجاست؟ مدیر و معلم چقدر آزادی دارند که در مدرسه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی توجه داشته باشند؟ سؤال دیگر اینکه، فضای فعلی حاکم بر مدرسه‌های ما فضایی دینی و حتی تندروانه است و هدف اصلی مدیر و معلم پرورشی مدرسه‌ها تربیت افراد متقی و متدین است. آیا به نظر شما در این فضا می‌توان مراتب اولیه حیات طیبه را که به فرمایش شما فطری و عقلانی است، تحقق بخشید؟

### پاسخ به سؤالات

■ **دکتر صادق زاده:** یکی از دوستان پیشنهاد کرد برای تحقق سند تحول یا حیات طیبه قوانین یا آیین‌نامه‌هایی تهیه شوند تا ضمن تعیین مراتب آن در هر دوره تحصیلی، اجرایی شوند.

شاید کسی بگوید حیات طیبه قابل تحقق نیست، اما من از او سؤال می‌کنم آیا ارزش‌های انسانی و عقلانی در هیچ مرتبه‌اش قابل تحقق نیست؟

نکته دیگری که درباره تحقق حیات طیبه در مدرسه باید روی آن تأکید کنم، این است که برای

داشتن حیات طیبه، لازم نیست که با استدلال و ابداع فکری شروع کنیم. ما باید مزه حیات طیبه را به بچه‌ها بچشانیم تا آن‌ها در عمل حیات طیبه را حس و تجربه کنند.

اگر ما مدرسه‌ای داشته باشیم که در آن دروغ و ظلم نباشد و در آن فضای صمیمی و دوستانه حاکم باشد و کرامت انسان حفظ شود و دانش‌آموزان احساس کنند حرمت دارند، به راحتی جذب این محیط می‌شوند و از آن لذت می‌برند.

برای اجرای حیات طیبه حتی لازم نیست اسم حیات طیبه را بیاوریم. ما باید محیط مدرسه را برای دانش‌آموزان مطلوب، جذاب و شیرین کنیم.

دکتر سرکار آرانی می‌گوید: «مهم‌ترین کاری که ژاپنی‌ها در ۱۰۰ سال پیش انجام دادند، این بود که کاری کردند تا بچه‌ها مدرسه را دوست داشته باشند و مدرسه برای بچه‌ها جذاب و شیرین باشد.»

مدیر و معلم مدرسه باید محیط مدرسه را مانند محیط مسجد مقدس بدانند و در آنجا کار بد انجام ندهند و حرمت مدرسه را نگه دارند.

ما معلمان، مثل همه انسان‌ها، ممکن است اشتباه کنیم و عصبانی شویم، ولی باید در مدرسه عصبانیت خود را بروز ندهیم و با بچه‌ها با خشونت رفتار نکنیم.

تا مدرسه برای بچه‌ها حالت قفس دارد، هر چه در آن حرف‌های خوب بزنیم، فایده‌ای ندارد. تا مدرسه مکان تلخکامی برای دانش‌آموزان است، فایده‌ای ندارد. اگر ما به این نکات توجه داشته باشیم، بچه‌ها دعوت به حیات طیبه را بدون دردسر و با همه وجودشان می‌پذیرند.

### دیدگاه‌ها و سؤالات معلمان

در ادامه این نشست، تعدادی از معلمان، ضمن ارائه دیدگاه‌ها و نظرات خود و طرح سؤال، پیشنهادهایی برای اجرای هدف حیات طیبه ارائه کردند که چکیده آن‌ها به شرح زیر است:

■ **محسن صنایع‌پسند:** «ساختارها و قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در آموزش و پرورش مانع تحقق حیات طیبه‌اند. ما این کارها را به‌عهده معاونت پرورشی گذاشته‌ایم. ما آموزش را از پرورش جدا کرده‌ایم و آن‌ها را دو وظیفه متفاوت می‌دانیم، ولی سند تحول این را نمی‌گوید. در حال حاضر خیلی از معلمان، وظیفه‌ای برای تحقق حیات طیبه در مدرسه احساس نمی‌کنند. فضای حاکم بر مدرسه‌های ما برای انجام چنین کاری مهیا نیست و هر کسی کار خودش را می‌کند.»

## تربیت اخلاقی نقطه شروع حیات طیبه است تا فرد از فضای حیوانیت بالفعل فاصله بگیرد

است، ولی باید قبل از هویت دینی، هویت انسانی داشته باشد. در متون دینی است که لاتنظروا الی کثرت الرکوع والسجود، بل انظرو الی صدق الحدیث و اداء الامانه. یعنی نگاه نکنید به زیادی رکوع و سجد افرا، نگاه کنید به صداقت و امانتداری انسان‌ها.

ما در سند تحول گفته‌ایم هویت انسانی - اسلامی تا به هویت انسانی توجه شود. هدف ما این نیست که افراد نماز بخوانند، روزه بگیرند و حتی نماز جماعتشان ترک نشود، ولی اهل اختلاس، دروغ و غیبت باشند. در آموزش و پرورش حتماً باید به هویت انسانی توجه جدی شود. دوستان ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در برنامه درسی، باید توجه به آداب انسانی را خیلی محکم می‌کردند، اما نکردند و باز می‌گویند از کلاس اول تا ششم حتماً باید قرآن داشته باشیم.

درباره مدیریت حیات طیبه هم سؤال شد. من اصل را مدیران مدرسه می‌دانم، نه مدیران ارشد ستادی. در سند تحول هم آورده‌ایم: «مدرسه نقطه شروع تحول در جامعه است.» اگر قرار باشد جامعه درست شود، باید از مدرسه آغاز کرد. ما باید دست مدیر و معلم را باز بگذاریم تا برای تحقق حیات طیبه ابتکارات و ابداعاتی داشته باشند. لازم نیست با تعیین اهداف زیاد و قوانین و آیین‌نامه‌های فراوان، دست مدیر و معلم را ببندیم. در ژاپن، برای نظام ابتدایی، فقط سه هدف تعیین کرده‌اند: صداقت، کار گروهی و احترام به بزرگان. وقتی اهداف زیاد شد، نمی‌توان آن‌ها را محقق کرد.

من معتقدم، به مدیران و معلمان آزادی عمل بدهیم و کارها را از تمرکزبخشی خارج کنیم.

حتی در برنامه درسی هم باید شکل اختیاری و انتخابی دیده شود. لازم نیست همه‌اش الزامی باشد. این از ابداعات سند تحول بوده است. ما به آزادسازی برنامه درسی معتقدیم.

نکته دیگر این است که نباید وظایف آموزشی و پرورشی در مدرسه‌ها تفکیک شوند. معلم را باید به مثابه مربی ببینیم نه در مقابل مربی.

این تفکیک از تفکیک‌های خطرناک است که ما در سند تحول آن را از بین بردیم.

اگر قرار است حیات طیبه محقق شود، همه باید دست به دست هم بدهند.

نکته آخر موضوع ارزیابی است. به اعتقاد ما، لازم نیست همه مدرسه‌های کشور را با استانداردهای واحد و یکسان جلو برد. ما باید به تنوع استانداردها قائل باشیم. ما در میانی نظری گفتیم که خوب است هر مدرسه‌ای برای خودش یک چشم‌انداز خاص داشته باشد و ضمن توجه به شایستگی‌های پایه و ملی، بخشی از شایستگی‌ها را متناسب با چشم‌انداز خودش ببیند.

اما تجربه من در هفت سالی که از اجرای سند تحول می‌گذرد، این است که تحقق حیات طیبه نباید از طریق مسئولان بالادستی پیگیری شود، بلکه باید از پایین به بالا انجام شود.

من معتقدم، کار حیات طیبه باید از پایین و در مدرسه شروع شود. کسی نباید بگوید با یک گل بهار نمی‌شود. در حوزه تعلیم و تربیت با یک گل هم بهار می‌شود و هر معلمی در کلاس خود می‌تواند نقش گل را ایفا کند و کلاس را بهاری کند. من واحد ایجاد تحول و تحقق حیات طیبه را مدرسه می‌دانم. صدور بخش‌نامه و آیین‌نامه از سوی بالادستی‌ها مشکل را حل نمی‌کند و مانعی را بر نمی‌دارد. پس شروع این کار باید از مدیران و معلمان باشد.

معلم باید از کلاس خودش و مدیر باید از مدرسه خودش آغاز کند. البته بنده هم قبول دارم که در مدرسه‌های ما، آن قدر راه را با صدور قوانین و آیین‌نامه‌ها بسته‌اند که پدر مدیر و معلم برای اجرای این کار در می‌آید.

نکته بعدی این است که آموزش ارزش‌های حیات طیبه با عمل کردن به آن‌ها امکان‌پذیر است و با آموزش شناختی محقق نمی‌شود.

ما باید در عمل به ارزش‌های حیات طیبه مانند توجه به نظافت، نظم، راستگویی، عدالت‌خواهی و حفظ حرمت افراد پایبند باشیم. نباید مرتب به بچه‌ها فقط اطلاعات بدهیم و از عمل خبری نباشد.

تربیت بچه‌ها با عمل امکان‌پذیر است. اکثر آثار تربیتی ما مربوط به کسانی است که اهل عمل بوده‌اند.

متأسفانه ما بچه‌ها را با بحث‌های ارزشی بمباران کرده‌ایم، ولی در عمل برای آن‌ها کار نکرده‌ایم. نظام آموزش و پرورش ما به شدت دنبال دانش‌گرایی و حداکثر استدلال‌گرایی است. اگر معلم حرمت دانش‌آموز را نگه دارد و به او احترام بگذارد، دانش‌آموز منقلب و جذب او می‌شود. محبت بدون قید و شرط، انسان‌ها را تکان می‌دهد. محب دین نیاز به رفتارهای عاطفی دارد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم، این است که ما به فضا و جو تربیتی نیاز داریم. حیات طیبه در فضا و جو تربیتی محقق می‌شود. الان در کشورهای دیگر هم بحث تربیت محیطی خیلی مورد توجه است. تربیت محیطی از بحث‌هایی است که در کشور ما نسبت به آن غفلت شده است. به همین دلیل، نقش مدیران مدرسه‌ها خیلی اهمیت دارد. آن‌ها می‌توانند با کمک معلمان فضا و جو تربیتی خوبی در مدرسه ایجاد کنند. بچه‌ها محیطی می‌خواهند که در آن لذت ببرند و کامیاب شوند. اینجاست که مدیران ما باید خیلی فهمیده باشند. مدیران ما نباید ظاهر‌گرا باشند. ظاهر‌گرایی پدر حیات طیبه را در می‌آورد. ما عبارت حیوان‌متشرع را داریم؛ یعنی کسی که ظاهر دارد، ولی بدترین جنایت‌ها را در پس این ظاهر انجام می‌دهد. حفظ ظاهر خوب